



نگاهی به «لحظه مرگ انقلاب‌ها» در تاریخ تطبیقی پرتگاه سقوط

قابل‌اعتنایی ارائه کند؛ بدین معنا که از رهگذر این حوزه مطالعاتی می‌توان بررسی کرد که انقلاب‌های دیگر چه زمانی پایان یافته‌اند؟ و لحظه مرگ دیگر انقلاب‌ها چگونه لحظه‌ای بوده است؟ از این رو، در این گفتار سه انقلاب فرانسه، روسیه و چین و آن لحظه سرنوشت‌سازی که تصمیم بر این شد انقلاب‌شان مسیر دیگری در پیش بگیرد را مورد بررسی و واکاوی قرار می‌دهیم.

دکتر محسن ردادی

استاد علوم سیاسی و عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

اگر بخواهیم به بقا و تداوم انقلاب اسلامی بیندیشیم «تاریخ تطبیقی» می‌تواند داده‌های

لحظه مرگ انقلاب‌ها، کجاست؟

«انقلاب فرانسه» علیه دیکتاتوری پادشاهی شکل گرفت و هدف آن، کنار زدن اشراف و شعارش آزادی، برابری و برادری بود. مردم عادی جامعه، عهده‌دار انجام انقلاب بودند و بعد از اینکه انقلاب پیروز شد، مردم پارلمان تشکیل دادند و تلاش‌شان بر این بود که نقش مؤثری در انقلاب فرانسه داشته باشند اما در ادامه پس از مدتی این روند تغییر پیدا کرد؛ قانون اساسی سوم فرانسه که در ۱۷۹۵ به تصویب رسید عملاً حق رأی عمومی را از مردم سلب کرد و بر اساس آن، تنها افرادی که ثروت داشتند امکان شرکت در انتخابات را پیدا کردند. بنابراین، زمینیه‌ای که باعث مرگ

انقلاب فرانسه شد و باعث شد تا انقلاب‌شان تداوم پیدا نکند به «فرسودگی مردم انقلابی» برمی‌گردد. مردم فرانسه ۵ سال در خیابان‌ها بودند ولی بعد از مدتی متوجه شدند که نه تنها اوضاع بهتر نشد که بدتر هم شده است؛ در نتیجه مردم به تدریج از فضای انقلابی خود فاصله گرفتند و به روزمرگی‌های خود مشغول شدند.

عامل دوم سقوط انقلاب فرانسه به قدرت‌طلبی انقلابیون و بطور مشخص ناپلئون بناپارت برمی‌گردد. او علیرغم اینکه یک جوان انقلابی بود اما تلاش کرد قدرت را تماماً به قبضه خود درآورد و در نهایت مجلس را هم وادار کرد تا لایحه‌ای را که سه ماده داشت، به تصویب برساند؛

لایحه‌ای با این مضمون که «ناپلئون بناپارت امپراتور جمهوری فرانسه باشد، ۲. لقب امپراتوری در خانواده ناپلئون موروثی شود و ۳. برابری، آزادی و حقوق مردم حفظ شود». این لایحه، به رأی عمومی گذاشته شد و سه و نیم میلیون نفر از مردم به آن رأی مثبت و دو و نیم میلیون نفر رأی منفی دادند. بر اساس این آمار، می‌توان گفت که اکثریت جامعه از آمدن ناپلئون استقبال کردند و این به معنای پایان انقلاب آنان بود؛ چون مردم از «وضعیت انقلابی» خسته شده بودند.

«انقلاب روسیه» در سال ۱۹۱۷ با هدف براندازی رژیم تزاری به پیروزی رسید. در آن دوره، رژیم تزاری به شدت ناکارآمد بود؛ بنابراین هدف

قشرها حمایت شود و انقلاب اسلامی تنها محدود به ایران نشود و برای سایر نهضت‌های اسلامی هم الهام‌بخش باشد.

در کنار این پیامی که حضرت

امام(ره) به مجلس بررسی نهایی قانون اساسی دادند، در خاطرات هست که در خود تشکیل این مجلس هم ایشان، از علمای مختلف بلاد دعوت کردند که در



حضرت امام(ره) در صفحه جلد ۱۱ صفحه ۱۳۷ می‌فرماید قانون اساسی یکی از ثمرات عظیم بلکه بزرگ‌ترین ثمره جمهوری اسلامی است. حال چرا ایشان چنین جایگاهی برای قانون اساسی ما قائل شدند و آن را ثمره انقلاب دانستند باید گفت به این دلیل است که حرف‌هایی که ما در بحث‌های اسلامی داریم، قانون اساسی ماسعی کرده برای این حرف‌ها زمینه‌ای فراهم کند و نظام‌سازی و الگوسازی برای این حرف‌ها انجام دهد و ما در این نظام و الگو، اسلام را پیاده می‌کنیم و از این جهت است که قانون اساسی برای ما ارزشمند است.



زمانی انقلاب می‌تواند تداوم داشته باشد که مردم در صحنه باشند و توسعه‌گرایان در جمهوری اسلامی نتوانند قدرت را به تمامه قبضه کنند. البته این به معنای حذف توسعه‌گرایان از جامعه نیست؛ آنان هم باید در صحنه حضور داشته باشند اما این حضور به معنای قبضه قدرت نباید باشد؛ چرا که این لحظه، لحظه مرگ انقلاب خواهد بود

انتخابات شرکت کنید و در نتیجه همین دعوت بود که بسیاری از علما که عمدتاً در انقلاب هم شرکت داشتند، در انتخابات بررسی نهایی مجلس شرکت کرده و نتیجه این شد که اکثر اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی علمای مجتهد بودند و همین قضیه باعث شد قانون اساسی که الان در دست داریم، قانون اساسی‌ای باشد که رنگ و بوی اسلامی دارد.

حضرت امام(ره) در صفحه جلد ۱۱ صفحه ۱۳۷ می‌فرماید، عظیم بلکه بزرگ‌ترین ثمره جمهوری اسلامی

قانون اساسی؛ بزرگ‌ترین ثمره جمهوری اسلامی

و... هست که پیش از انقلاب و در همان بنبوحه جریانات انقلاب جلسات مفصلی تشکیل می‌دادند و پیش‌نویس قانون اساسی را تهیه می‌کردند که اینها به رؤیت حضرت امام(ره) هم می‌رسید ولی آن پیش‌نویس در نهایت با تغییرات متعددی مواجه شد و قانون اساسی فعلی ما با آن پیش‌نویس تفاوت‌هایی دارد ولی اصل قضیه این بود که حضرت امام(ره) این اهتمام را داشت که ما اولاً نیاز به قانون اساسی داریم و این نیاز هم نیازی است که سریع باید تأمین شود.

و سرعت در تدوین قانون اساسی داشت، یک اهتمام دیگری هم داشتند که «اسلامی» بودن قانون اساسی است؛ چرا که ما صرفاً نیاز نداریم فقط قانون اساسی داشته باشیم بلکه قرار است قانون اساسی برای جمهوری اسلامی داشته باشیم. یکی از جاهایی که حضرت امام(ره) بر این موضوع تأکید گذاشتند، آن پیامی است که ایشان به مجلس بررسی نهایی قانون اساسی فرستادند که در جلد نهم صحیفه حضرت امام(ره) هم درج شده است. در آنجا نکات مختلفی را به مجلس بررسی نهایی تأکید می‌کنند که محور عمده این نکات

بر این اساس است که این قانون اساسی باید «اسلامی» باشد. مثلاً می‌گویند مردم مسلمان به شما نمایندگان رأی دادند، مردم انقلاب اسلامی کردند و گفتند اسلام را باید احیاء کنید؛ پس شما باید به سراغ اسلام بروید. بحث‌های اسلامی را فقها باید اعلام‌نظر کنند. اگر کسی تمایلات شرقی یا غربی دارد، این شرقی و غربی در مقابل اسلام است؛ اینها را دخالت ندهید و... حضرت امام(ره) در تدوین قانون اساسی اصرار بر این داشتند که از دیکتاتورمآبایی جلوگیری شود و با توجه به دغدغه‌های مکتبی آینده‌نگری شود. همچنین از همه



دکتر سید محمدهادی راجی

پژوهشگر حقوق

حضرت امام خمینی(ره) به‌عنوان کسی که بنیانگذار انقلاب اسلامی بود، اهتمام ویژه‌ای به قانون اساسی داشت. در این حد که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایشان به مرحوم دکتر حبیبی که بعداً معاون اول رئیس‌جمهور شد، دستور داد گروهی را تشکیل دهند و پیش‌نویس قانون اساسی را تهیه کنند. در خاطرات بزرگانی از جمله خود ایشان و مرحوم دکتر کاتوزیان